

## زیر ذره بین

### دوست خوبم، کیانامحسنی از تهران

داستان «اگر بوم دیگر فکر کنم» را خواندم. خیلی خوب است که با پشت کار موفق شده‌ای داستانی به این بلندی بنویسی؛ اما هتمامی دانی که به خاطر محدودیت صفحه‌ها امکان چاپ داستان‌های خیلی بلند در بخش «گلستان» وجود ندارد. گذشته از این نکته، داستان تو بیش از اندازه طولانی بود و خواننده‌اش را تا پایان با خود نگه نمی‌داشت. یک دلیل مهم آن هشو و زوایدی است که رمق و کشش داستان را می‌گرفت و اجازه نمی‌داد که اتفاق‌ها با ریتم طبیعی‌شان پیش بروند.

یکی دیگر از نکاتی که موجب ضعف «اگر بوم دیگر...» شده، بیان مستقیم و شعاری و نگاه آموزشی و نتیجه‌گیرانه‌ی نویسنده بود. در قالب‌های ادبی مثل داستان، پیام به شکل پنهان منتقل می‌شود و نویسنده درباره شصیت یا اتفاق حکم صادر نمی‌کند و به خواننده‌اش این فرصت را می‌دهد که از دل اتفاق‌ها و دیالوگ‌ها نتیجه لازم را بگیرد.

دوست خوبم، زهرا جعفری فرد از قائم شهر وقتی یک شاعر به سراغ موضوعی می‌رود که قبلاً شاعران دیگری درباره‌اش شعر گفته‌اند، کارش دو برابر سخت می‌شود؛ برای این‌که احتمالاً بقیه قبل از او خیلی از حرف‌ها را گفته‌اند و ممکن است چیزی که او می‌نویسد، تکراری باشد. یک شاعر موفق کسی است که به سراغ موضوع‌های تازه برای سرودن می‌رود یا از زاویه‌ای تازه به موضوع‌های تکراری نگاه می‌کند. متأسفانه در شعر تو هیچ‌کدام از این دو اتفاق نیفتاده بود، بنابراین باید پیشم‌ها، گوش‌ها و حواس دیگری را تیزتر و حساس‌تر کنی تا بتوانی حرف‌ها، حس‌ها و تصویرهای تازه‌تری را شکر کنی. شکل نوشتن شعرت شبیه قالب‌های کلاسیک و به طور خاص «غزل» بود؛ اما موفق به رعایت قواعد این قالب در همه بیت‌ها نشده‌ای. پیشنهاد می‌کنم برای تسلط بیشتر بر قواعد پایه‌ای و ریزه‌کاری قالب‌های کلاسیک، مطالعه‌ات را روی شعرهای سروده شده در این زمینه بیشتر کنی. منتظر تهر به‌های تازه تو هستیم.

## فیل‌گوش (کالادیوم)

علی محمد بخشوده

فیل‌گوش عضو خانواده گل‌های شیپوری و از نظر تنوع رنگ‌ها کم‌نظیر است. برگ‌های آن که شبیه گوش فیل است، از اوایل بهار تا اواخر پاییز باقی می‌مانند. این گیاه از خانواده گل شیپوری است و از آن به عنوان سبدهای آویز استفاده می‌کنند.

### نیازهای گیاه

- **نور:** برای حفظ رنگ‌ها و نقوش برگ، نور کامل مورد احتیاج است ولی مواظب آفتاب ظهر و اشعه مستقیم آن باشی.
- **دما:** محیطی با دمای ۲۴ درجه سانتی‌گراد در تابستان و ۱۶ درجه در زمستان برای این گیاه مناسب است.
- **آبیاری:** گیاه را همیشه مرطوب نگاه دارید، در تابستان دو تا سه بار در هفته و در زمستان چنانچه گیاه فاقد برگ است آبیاری را متوقف کنید؛ زیرا در زمستان احتیاج به استراحت دارد.
- **رطوبت:** غبار پاشی (اسپری آب) به برگ‌های گیاه صدمه می‌زند. برای حفظ رطوبت این گلستان باید آن را نزدیک گلستان‌های دیگر نگه داشت یا کنار گیاهان دیگر کاشت.
- **تغذیه:** کالادیوم گیاهی کم توقع است. می‌توان از مواد غذایی محلول که در گل‌فروشی‌ها به فروش می‌رسد برای گیاه استفاده کرد.
- **خاک:** خاک برگ پوسیده همراه مقداری ماسه بهترین خاک مناسب برای رشد این گیاه است.
- **تمیز بودن برگ‌ها:** هر دو ماه یک بار با پارچه و اسفنج مرطوب برگ‌ها را به ملایمت تمیز نمایید. مواظب ساقه‌ی گل باشی. از مواد براق‌کننده برای سطح برگ‌ها هرگز استفاده نشود.
- **تکثیر:** در بهار با جدا کردن ساقه‌های زیرزمینی از گیاه مادر امکان‌پذیر است. هر ساقه حداقل باید دو جوانه یا چشمک داشته باشد.



# گلچین



## باران

صدای شرشر در گوشم پیچید.  
هالا صدای باران به شکل یک  
آهنگ دل‌نواز درآمده بود و  
صدای آب‌های روان در داخل  
ناودان در گوشم می‌پیچید. انگار  
که قطره‌ها می‌فواستند از همه  
سبقت بگیرند.  
یکی از قطره‌ها تلیبی افتاد روی  
یک برگ سبز روشن که کمی  
گلی بود. قطره، برگ را شست  
و بعد لیز خورد و افتاد توی چوی  
آب.

همومه زیادی از صحبت قطره‌ها  
در کوچه و پس‌کوچه‌های شهر به  
راه افتاده بود. هر کد را از قطره‌ها  
زیانی برای خود داشتند و هر کسی  
حرفی می‌زد. زبان بعضی قطره‌ها  
رانی فهمیدم.  
پنجه اتاقم را باز کردم. باران  
کم‌کم داشت بند می‌آمد و هفتور  
فورنشید از پشت ابری در دور  
مس می‌شد. ابری که حالا به  
شکل یک کبوتر آسمانی درآمده  
بود!

عباسی از مازندران

## آسمونی

چشم‌های قاله‌چون من  
مثل پیش‌کبوتره  
قشنگ و ناز و مهریون  
از همه دنیا بهتره  
قاله‌موفیلی دوس دارم  
فیلی زیار، یه آسمون  
مامان می‌گه: قدر چینین  
قاله‌فوبی رو بدون!

ریحانه خفراینی از توران

## در فراموشی

فراموش شدم  
ولی هنوز کسی از بی‌کران‌ها  
صدایم می‌زد  
گوش تیز کردم  
اما گوش‌هایم  
پرده بر شنیدن کشیده بودند  
شاید هم تمام این‌ها فقط یک رؤیا بود  
رؤیایی که من  
هر شب پازلش را در ذهن خود می‌سازم!  
مهربان توتی  
از همدان

## در ابتدای فصل سرد

باز هم زمستان از راه می‌رسد و ملاقه  
سفیدش را فرخش پاهای مان می‌کند.  
زمستان می‌آید تا جهان، خود را برای تجربه  
زندگی‌ای دیگر آماده سازد.  
زمستان مرگ را به یارمان می‌آورد.  
و این‌که چه کاشته‌ایم؛ در روزی که دستان  
از همه‌جا کوتاه است.  
زنگی برای ما  
تا از فاطر ندریم  
به استقبال فصل سرد می‌رویم  
بادلی همواره بهاری و پی‌فزان.  
نیلوخر سقاباشی از اندیشه





# چراغ مطالعه



## بامزه‌های حیوانات

● کته، مشره‌ای ریز است که می‌تواند یک سال تمام بدون غذا زنده بماند.

● فقط پشه‌ی ماده نیش می‌زند و از پروتئین خون مکیده شده برای تفم‌گذاری استفاده می‌کند.

● فقط قورباغه‌های نر، قور قور می‌کنند.

● پشیم شترمرغ از مغزش بزرگ‌تر است.



● وزن کل موربانه‌ها ده برابر وزن کل انسان‌هاست.

منبع: دایرة‌المعارف مصور اطلاعات عمومی  
فخر ستنده: مینا داوری از شهریار

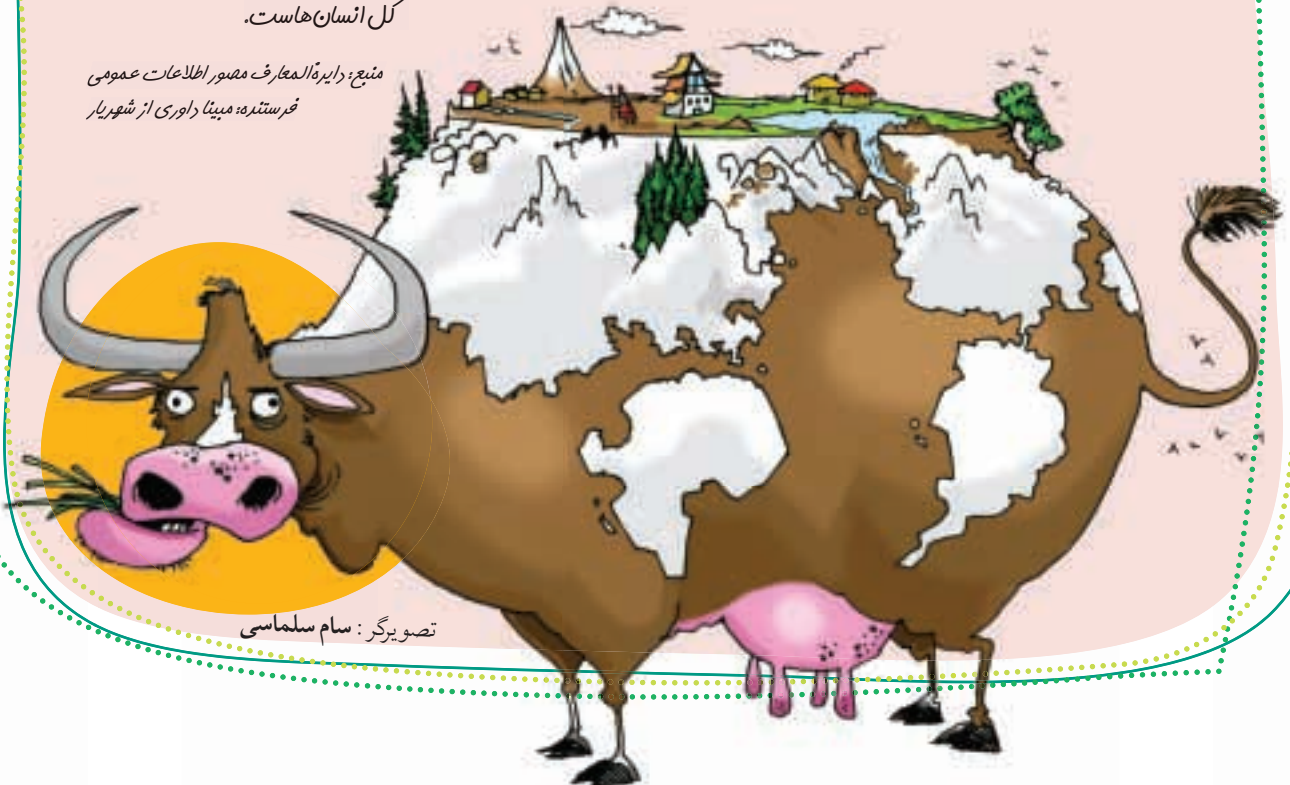
## وقتی زمین می‌لرزد

در گذشته پینی‌ها تصور می‌کردند که زمین بر پشت یک گاو غول‌پیکر قرار دارد و وقتی این گاو، زمین را از یک شانه‌ی خود به شانه‌ی دیگر پرتاب می‌کند، زمین لرزه اتفاق می‌افتد.

وقتی زمین لرزه شدید رخ می‌دهد، زمین شکاف می‌خورد، فانه‌ها فرو می‌ریزند و سافتمان‌ها مثل قهرهای مقوایی ویران می‌شوند.

انسان همیشه تلاش کرده است که سافتمان‌های مقاوم در مقابل زلزله بسازد. آخرین طری‌ی که در این زمینه ارائه شده، فانه‌هایی به شکل هرم یا مخروط است.

منبع: چراهای شگفت‌انگیز سیاره‌ی زمین، ممبر حسین قاسمی  
فخر ستنده: ممبر حسین سیمیار



تصویرگر: سام سلماسی

# نمکدان

تصویرگر: سام سلماسی



## شغل خواستگار

یک روز قصابی به خواستگاری دختر می‌رود.  
از او می‌پرسند: «شغلت چیست؟»  
جواب می‌دهد: «مغازه فروش لوازم یدکی گوسفند دارم»

علیرضا پورزادی نژاد  
از توران

سوغاتی جدید  
کسی از مسافرت برگشته بود، پرسیدند: «از مسافرت پی آوردی؟»  
جواب داد: «تشریف!»

زهرا سیف‌اله‌زاده / اردبیل



## مشکلی به شکل چوراب

از یک آدم هواس پرت می‌پرسند: «پهرا یک لنگه‌ی چورابت آبی است و آن یکی قرمز؟»  
می‌گوید: «فودم هم نمی‌دانم. ولی یکی دیگر عین همین جفت را توی خانه دارم»

سینا قهریزی  
از تبریز

اصول حرفه‌ای  
دزد: «باور کنید من بی‌گناهم قربان!»  
قاضی: «برای بی‌گناهی ات شاهد هم داری؟»  
دزد: «نه، آفر من هیچ‌وقت موقع دزدی با فودم کسی را نمی‌پریم»

آرش ملکیان مقدم  
از توران



## چتر آبی

دو دیوانه برای تفریح به کنار دریاچه رفته بودند که ناگهان باران گرفت.  
اولی گفت: «الان فیس می‌شویم، به نظرت چه کار کنیم؟»  
دومی گفت: «یک فکر بکر! بیا بریم زیر آب تا فیس نشویم»

رضا هیدری